

## اجتهاد جمعی و نقش آن در حل مسائل نوین فقه اسلامی

محمد شهنوازی فر<sup>۱</sup>، دکتر امیر حمزه سالارزائی<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Shahnawazifar33@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

amir\_hsalar@yahoo.com

### چکیده:

تغییر شکل اجتهاد، از اجتهاد فردی، به اجتهاد جمعی و گروهی، از نیازهای جدی عصر حاضر به شمار می آید که در آن اندیشمندان و فقهای جهان اسلام، در مسائل پیش آمده، که جنبه عمومی دارد، به شور و تبادل نظر پردازند، چرا که علی القاعده رأی و نظر جمعی از رأی و نظر فردی به حق و صواب نزدیک تر است. در گذشته که ارتباطات و تبادل اطلاعات (I.C.T) به سرعت و گستردگی عصر حاضر نبود، نه تنها غالب مردم تنها از آرای یک فقیه آگاه نبودند، بلکه فقها نیز به طور دقیق و سریع، از آرای یکدیگر باخبر نمی شدند؛ اما اکنون در عصر ارتباطات و اطلاعات، همگان به آسانی می توانند از آرای دیگر فقها آگاه شوند. این امر باعث شده فاصله علمی علما و اندیشمندان کمتر و راه رسیدن به حل مسائل فقهی آسان گردد. مقاله پیش رو تحت عنوان "اجتهاد جمعی و نقش آن در حل مسائل نوین فقه اسلامی"، و با روش توصیفی - تحلیلی، بدنبال پاسخ چرایی ضرورت اجتهاد جمعی و شورایی در دوران معاصر است و اینکه با توجه به تشتت آرا و تفرق فتاوی فردی، چه راهی را برای حل مسائل کلان جامعه جهانی اسلامی و برون رفت از بحران هایی که جهان اسلام با آن مواجه گشته است می توان پیش گرفت؟ آنچه این پژوهش بدان رسیده این است که همفکری و خرد جمعی در قالب اجتهاد جمعی و در راستای حل مسائل جامعه امری است ناگزیر، که اندیشمندان اسلامی باید بدان توجه نموده و آن را سر لوحه سیاست گذاری فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دهند.

**واژگان کلیدی:** اجتهاد فردی، اجتهاد جمعی، اجماع، شورا، حل و عقد، مجامع فقهی

### مقدمه:

اجتهاد در لغت<sup>۱</sup> از کلمه جهد به ضم جیم و یا فتح آن که از حیث لغت به معنی مشقت یا طاقت گرفته شده به معنی (بذل الجهد فی طلب الامر) (ابن اثیر، بی تا، ۸۴۸/۱) آمده است که استعمال آن از مصدر باب افتعال بمعنای تحمیل است.

واژه اجتهاد به معنی لغوی آن در سخنان رسول خدا و بعد از آن در عصر صحابه بکار رفته است چنانچه حدیث معاذ ابن جبل (قال اجتهد برای و لا آلوا) (تومذی، بی تا، ۶۸/۶) بدان اشاره دارد.

ولی با دقت نظر در منابع اسلامی مشاهده می شود که این واژه بعدها بویژه در دوران تاسیس مذاهب از معنای لغوی خود (بذل توانایی و کوشش) اندک اندک عدول کرده و در معنای اصطلاحی و اختصاصی دیگری، که همان بکارگیری تلاش و کوشش در راه استنباط احکام از راههای شرعی است بکار رفته است.



برای اجتهاد فقها و اندیشمندان جهان اسلام تقسیمات زیادی ذکر نموده اند که منجمله آنها تقسیم ذیل است.

۱. اجتهاد فردی

۲. اجتهاد جمعی

پس اجتهاد به معنای تلاش سازمان یافته و روشمند فقها برای دست یافتن به احکام شرعی، عمری به بلندای تاریخ اسلام دارد، و یکی از برجسته ترین شاخصه های فقه اسلامی است. فقه اسلامی با نیروی اجتهاد در برابر تحولات و نیازهای متغیر زمان از رکود و نارسایی مصون می ماند و پویا و بالنده با نیازهای نوین بشری همگام و هماهنگ پیش می رود.

امروزه با گسترش و پیچیده تر شدن علوم و روابط انسانی، ما نیازمند درک جدیدی از فقه اسلامی و اجتهاد هستیم، و یکی از راهکارها در این خصوص، توجه جدی به «اجتهاد جمعی» است.

البته درک جدید از فقه و اجتهاد، مفهومی این نیست که درکی کاملاً متفاوت از درک گذشتگان به وجود بیاید، بلکه این فهم در ادامه و تسلسل درک بوجود آمده در صدر اسلام و ائمه مجتهدین در پاسخگویی به نیازهای جامعه امروز است. درین راستا همفکری و مشورت بین فقها و اندیشمندان آگاه راجع به مسائل اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چنانکه دانشمندان علوم دیگر نیز به طور مرتب مشغول تبادل نظر با یکدیگرند، و محصول فکر و اندیشه خود را در اختیار سایر اهل نظر قرار می دهند.

در این هیچ شکی نیست که اجتهاد فردی در تاریخ پر فراز و نشیب اجتهاد بیشترین سهم را به خودش اختصاص داده و سهم اجتماع جمعی بنا بر نیاز زمانی کمتر بوده چرا که فقیه دوران در زمینه های مختلفی که اجتهاد بدان نیاز داشته تخصص داشته و از عهده حل مسائل جامعه خود بر آمده است.

امروزه نیاز آن است اندیشمندان و فقها بجای اجتهاد فردی توجه خود را سمت اجتهاد جمعی مبدول دارند موسسات و مجامع فقهی تاسیس کنند که که بوسیله آن بشود اجتهاد جمعی را تقویت کرد و در آن نه تنها فقهای طراز اول جهان اسلام، بلکه متخصصین و کارشناسان علوم دیگر را هم به کار گیرند تا درک بهتری از واقعیت موجود جامعه داشته و مشکلات و نارسایی های موجود در فرا روی آن را حل کنند.

«اجتهاد جمعی» موضوعی است که ذهن بسیاری از علما و روشنفکران عصر حاضر را به خود مشغول کرده و هر یک از دیدگاه خاص خود راجع به آن بحث و اظهار نظر کرده اند.

در حال حاضر بحث «اجتهاد جمعی» در محافل فقهی و فکری اهل سنت به طور جدی مطرح است و در همین راستا مجامع فقهی متعددی شکل گرفته و فعال هستند. در میان شیعیان نیز در این خصوص مباحثی مطرح است.

## تعریف اصطلاحی

اولین تعریف از اجتهاد که بصورت مکتوب به ما رسیده است، تعریف امام شافعی م ۲۰۴ هـ است. ایشان اجتهاد را به معنی قیاس شرعی استفاده نموده اند:

سائلی از شافعی پرسید که قیاس چیست؟ آیا همان اجتهاد است یا امری است سواى آن؟ گفتم آن دو در واقع دو اسم هستند که به یک معنی آمده اند روش جمع آن چگونه است؟ گفتم هر آنچه برای مسلمان از سوی خدای متعال نازل می گردد یا حکم لازمی است یا آنکه در آن راهنمایی برای او وجود دارد و



با رسیدن حکم به او اتباع و پیروی از آن بر او لازم می گردد و اگر از طریق وحی چیزی به او نرسد پس با در نظر گرفتن وحی و در چار چوب آ «اجتهاد کند و این همان قیاس است. (شافعی، بی تا، ۴۷۷)

زرکشی م ۷۹۴ هـ هم همین تعریف را انتخاب نموده می فرماید:

از صاحب کبریت احمر نقل گردیده که برخی معتقدند که قیاس و اجتهاد یکی هستند و دلیل آن حدیث معاذ است که فرمودند با رای خودم اجتهاد می کنم و هدف از قیاس همان قیاس است به اجماع همه... سمعانی می گوید آیا قیاس و اجتهاد یکی هستند یا دو امر مغایر همدیگر؟ در این امر اختلاف وجود دارد ابو علی بن ای هریره می گوید: آن دو یکی هستند و آن را به شافعی منسوب نموده است که در کتاب رساله خود به آن اشاره نموده است. (زرکشی، بی تا، ۴۰۹)

غزالی (م ۵۰۵) معتقد هستند که این تعریف دارای اشکال است چنانچه می نویسند:

برخی از فقها معتقدند که قیاس همان اجتهاد است و این اشتباه است چرا که اجتهاد اعم از قیاس است و این به سبب آن است که اجتهاد گاه با نظر در عموماً و ریز بینی در الفاظ و بقیه روش های ادله به دست می آید بر خلاف قیاس که از نگاه اندیشمندان امری است که در آن مجتهد سعی در دستیابی به حکم دارد و اطلاق آن بر کسی می شود که تمام توان و نیروی خود را در این راه بکار گیرد پس کسی که کار کوچکی انجام می دهد از واژه اجتهاد استفاده نمی کند پس هدف از این قیاس محض نیست بلکه تلاش و کوششی است که در زمان قیاس انجام می گیرد. (غزالی، ۱۳۸۲، ۱۸۱)

در ادامه زرکشی تعریف شافعی را خالی از اشکال نمی داند و می نویسد:

شافعی در کتاب رساله معتقدند که قیاس همان اجتهاد است ظاهراً این سخن ایشان درست نیست چرا که اجتهاد از قیاس عام تر بوده و قیاس خاص... جمهور معتقدند که قیاس سوای اجتهاد است اجتهاد عام بوده و قیاس به آن نیاز دارد در واقع اجتهاد مقدمه قیاس است اما اجتهاد به قیاس نیازی دارد چرا که اجتهاد گاه با نظر به عموم الفاظ و روش های دیگر به دست می آید اما قیاس اینگونه نیست. (همان)

برخی تلاش نموده اند تا اعتراض های وارد شده به تعریف امام شافعی را پاسخ دهند که منجمله آنها جواب زرکشی است.

اجتهاد در عرف فقها زمانی استفاده می شود که برای حکم نصی وجود داشته نباشد و راه دستیابی به این نزد امام شافعی جز با حمل فرع بر اصل حاصل نمی شود و این همان قیاس است نزد ایشان. (پیشین)

امام ابوبکر احمد بن علی رازی جصاص (۳۷۰ هـ) اجتهاد را اینگونه بیان می کنند که:

تلاش و کوششی است که مجتهد قصد و اراده آن را کند چرا که اجتهاد در اصطلاح عرف به کوششی اطلاق می شود که شخص برای اموری انجام می دهد که در آن حکمی که او را به مطلوب برساند وجود داشته باشد. (جصاص، ۱۱/۱۹۹۴، ۴)

در توضیح تعریف مذکور می نویسند

استعمال واژه اجتهاد در شریعت به سه مفهوم می آید

۱- قیاس شرعی که بر اساس نص و یا علت مستنبطه باشد که حکم اصل در آن به فرع ارجاع داده شده و بنا بر علت مشترکی که در میان آنهاست حکم اصل را برای فرع صادر می کنند.

۲- نوعی دیگر از اجتهاد، اجتهادی است که بر مبنای ظن غالب باشد چنانچه در مساله ای بنا بر مشابهتی که میان اصل و فرع قرار دارد بجای اعتبار علت مشترک در میان آنها و ارجاع حکم اصل به فرع بر مبنای ظن غالب حکم صادر می شود.

همانند اجتهاد برای شخصی در مقابل خانه کعبه قرار ندارد و یا اجتهاد در مساله شکار در حالت احرام و ...

در این نوع از قیاس بجای اینکه بدنبال علت مشترک در اصل و فرع باشیم و یا حکم اصل را به فرع ارجاع دهیم بر ظن غالب عمل نموده و برحکم عمل می کنیم.

۳- استدلال از اصول که بعد از آن را ذکر خواهیم نمود. (همان، ۱۲-۱۱)

این امر بوضوح معلوم می شود که جصاص قیاس را از اقسام اجتهاد دانسته و آن را به سه قسم تقسیم نموده اند.

ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن احمد ابن رشد قرطبی اندلسی معروف به ابن رشد حفید (۵۹۵ هـ) در تعریف خودش مناہج و روش ها را اضافه نمودند

اجتهاد آن است که مجتهد در راه رسیدن به حکم شرعی تمامی روش ها و راه هایی را که در اجتهاد شرط قرار داده شده را بکار گیرد. (ابن رشد، بی تا، ۱۳۷)

سیف الدین علی بن ابی علی بن محمد بن سالم آمدی (۶۳۱ هـ) می نویسد:

در راه رسیدن به گمان غالب در حکم شرعی آنقدر تلاش کند که بیشتر از آن دیگر در توان آن نباشد. (آمدی، ۱۶۹، ۱۴۰۴)

## مفهوم اجتهاد جمعی

### معنای لغوی:

جمعی واژه مرکبی است که از دو اسم تشکیل یافته است اجتهاد و جمعی که از ماده ج م ع گرفته شده است. این لفظ در ثلاثی مجرد از باب فتح یفتح می آید که مصدر آن با سکون عین کلمه است

ابن منظور افریقی می نویسد:

جمع الشيء عن تفرقه یجمعه جمعا ... و المجموع الذی جمع من ههنا و ههنا و ان لم یجعل کالشیء الواحد ... و الجمع اسم لجماعة الناس و الجمع مصدر قولک جمعت الشيء و الجمع المجتمعون و جمعه جموع و الجماعة و الجمع و المجمع و المجمع کالجمع ... و المجمع یکون اسما للناس و الموضع الذی یجتمعون فیه... و امر جامع یجمع الناس و فی التنزیل الخ (ابن منظور، بی تا، ۵۳/۸)

## تعریف اصطلاحی اجتهاد جمعی

تعریف اجتهاد جمعی تعریف جدیدی است که با وجود اشکال مختلف آن در گذشته تعریف دقیق و مستقلی از آن صورت نگرفته است.

واژه اجتهاد جمعی از اصطلاحات نوینی است که در گذشته از آن ذکری در میان متقدمین نبوده است اما عملاً تاریخ فقه اسلامی از آن بیگانه نبوده و در اشکال مختلفی وجود داشته است که می توان از آن بعنوان اجتهاد جمعی یاد نمود. (رئیسونی، بی تا، ۱۱)

اندیشمندان معاصر تعاریف اصطلاحی زیادی برای اجتهاد جمعی ذکر نموده اند که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

**آقای** عبدالمجید سوسوه شرفی اجتهاد جمعی را اینگونه بیان می کنند

هو استفراغ اغلب الفقهاء الجهد لتحصيل ظن بحکم شرعی بطریق الاستنباط، و اتفاقهم جميعا او اغلبهم علی الحکم بعد التشاور (سوسو، ۱۹۹۸، ۴۶)

تلاش و کوشش جمعی است که اکثریت فقها در راستای دستیابی به حکم شرعی انجام داده و در نتیجه و پس از مشوره به اتفاق نسبی می رسند.

خلیل عید اینگونه بیان می کنند

اتفاق اغلب المجتهدين من امه محمد في عصر من العصور علی حکم شرعی فی مسأله. (رئیسونی، بی تا، ۱۳)

اتفاق و اتحاد اکثریت مجتهدین امت محمد صلی الله علیه و سلم

اندیشمندان شرکت کننده در کنفرانس ندوة الاجتهاد الجماعی فی العالم الاسلامی که در سال ۱۹۹۶ م در دانشکده شریعت دانشگاه العین امارات برگزار شد تعریف ذیل را ارائه نمودند

تقرر الندوة ان الاجتهاد الجماعی: هو اتفاق اغلیة المجتهدين فی نطاق مجمع فقهي او هیئة او مؤسسة شرعية ينظمها ولی الامر فی دولة اسلامية علی حکم شرعی عملی لم یرد به نص قطعی الثبوت و الدلالة بعد بذل غاية الجهد فیما بینهم فی البحث و التشاور (مجموعه ای از نویسندگان، ۱۹۹۶، ۱۰۷۹/۲)

کارشناسان شرکت کننده در کنفرانس اجتهاد جمعی به این نتیجه رسیده اند که اجتهاد جمعی عبارت است از اتفاق اکثریت مجتهدین تحت اشراف مجمع و یا موسسه فقهی که زیر نظر ولی امر مسلمین که در کشور اسلامی باشد، برمساله خاصی که در آن نصی قطعی وجود ندارد، صورت گیرد.

## جایگاه اجتهاد جمعی در قرآن و سنت

نگاهی گذرا به قرآن و سنت این چیز را نمایان می سازد که شارع مقدس نه تنها مشاورت در کارها را امری مستحسن و قابل قدر بشمار می آورد بلکه در مسائل متعددی صحابه را حکم به اجرای آن می کند

خدای متعال می فرماید:

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (سوره آل عمران، ۱۵۹)

در تفسیر این آیه ابن ابی حاتم از ابو هریره روایتی را نقل کرده می نویسد:

عن ابن شهاب عن ابی هریره قال: ما رایت احدا اكثر مشورة لاصحابه من رسول الله. (ابن ابی حاتم، بی تا، ۸۰۱/۳)

تابعین و ائمه سلف در ذیل این آیه به اهمیت و جایگاه مشوره و همفکری پرداخته اند که به برخی از آنها اشاره کوتاهی خواهیم نمود.

برخی معتقدند که اگر چه در زمان نزول آیات قرآن عظیم الشان و وجود نازنین پیامبر، صحابه نیازی به همفکری و مشاورت نداشتند اما این دستور برای نسل های بعدی است که در کارهای شان با همفکری و مشاورت عمل کنند.

ابن ابی حاتم می گوید:

عن ابن شبرمه عن الحسن فی قوله تعالی و شاورهم فی الامر قال: قد علم انه لیس به الیهم حاجه و ربما قال: لیس له الیهم حاجه و لکن اراد ان ای یستن به من بعده. (همان)

بر همین اساس صحابه پیامبر همه کارهای خود را با مشوره و همفکری همدیگر انجام می دادند گاه پیامبر در مجمع عمومی صحابه در مورد برخی مسائل از صحابه نظر می خواستند که دیدگاه هایشان را بیان کنند چنانچه در زمان جنگ بدر در مورد بیرون رفتن از مدینه از صحابه مشوره گرفته شد.

برخی از اصحاب پیامبر سمت مشاوران ویژه ایشان را داشتند چنانچه از روایتی معلوم می شود.

عن ابن عباس فی قوله عز و جل وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ قَالَ ابوبکر و عمر رضی الله عنهما. (حاکم، ۱۴۱۱، ۷۴/۳)

حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت می نویسد:

هذا الحدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه (همان)

صحابه پیامبر هم پس از ایشان این روش را ادامه دادند چنانچه عصر خلفای راشدین بهترین گواه بر این مدعا ست.

عن مسیب بن رافع قال: كانوا اذا نزلت بهم قضیه لیس فیها من رسول الله اثر، اجتمعوا لها و اجمعوا، فالحق فیما راوا، فالحق فیما راوا. (دارمی، ۱۴۰۷، ۶۱/۱)

روش صحابه هم به گونه ای بود که هر گاه حادثه ای برای آنها پیش می آمد که در آن اثر و یا نصی از پیامبر وجود نداشت در آن مورد بخصوص جمع گردیده و اجماع می کردند چنانچه حق و صواب در آتی بود که آنها به آن می رسیدند.

روش حضرت ابوبکر هم همین بود که هر گاه موضوعی به ایشان محول می گردید، به کتاب خداوند مراجعه می نمود، چنانچه حکمش را در آن می یافت، آن را به اجرا می گذاشت؛ اگر در قرآن حکم آن را نمی یافت، به سنت رسول خدا (ص) مراجعه می فرمود و چنانچه حکمش را در سنت می یافت آن را به اجرا می نهاد. (همان)

اما چنانچه حکم موضوعی را در قرآن و سنت نیز نمی یافت، بزرگان و عالمان را فرا می خواند و در مورد آن با ایشان مشورت می نمود و چنانچه به نتیجه ای دست می یافتند آن را عملی می کرد.

از برخی از روایات معلوم می شود که خلیفه دوم حضرت عمر بن خطاب مشاوران مستقلی در امور مختلف داشتند.

عن عبدالله بن عمر اتی النبی کتاب رجل فقال لعبد الله بن ارقم اجب عنی فکتب جوابه ثم قرأه علیه فقال: اصبت و احسنت اللهم وفقه فلما ولی عمر کان یشاوره. (حاکم، ۱۴۱۱، ۳/۳۷۸)

عبدالله بن عمر می گویند باری نامه ای خدمت پیامبر رسید و ایشان حضرت زید بن ارقم را دساور دادند که از جانب ایشان جواب نامه را بدهند که زید جواب را نوشته محضر ایشان قرائت نمودند پیامبر فرمودند خوب نوشتی خدای متعال به توفیقات شما بیفزاید.

زمانی که حضرت عمر به خلافت رسیدند ایشان را به سمت مشاور منصوب نمودند.

از روایات ذکر شده معلوم می شود که صحابه و بویژه خلفای راشدین در امور مختلف با همفکری و خرد جمعی از طریق اجتهاد جمعی تصمیم گیری می نمودند، که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- انتصاب خلیفه اول - ۲ - جمع آوری قرآن ۳- مقابله با کسانی که مرتد شده و از پرداخت زکات سرباز می زدند. ۴- حد قذف ۵- حد شراب ۶- میراث جده ۷- امور جنگی ۸- انتصاب خلیفه سوم ۹- رسم قرآن ۱۰- آزاد بودن ام ولد و بسیاری از مسائل دیگر...

### اجتهاد جمعی در عصر نبوت

چنانچه قبلاً ذکر کردیم که پیامبر و صحابه ایشان در جایی که نصی وجود نداشت اقدام به اجتهاد می نمودند و بسا اوقات ایشان، بنابر نوعیت موضوع و اهمیت آن با صحابه مشوره نموده و خرد جمعی را جایگزین فکر فردی می کردند که می توان از آن به عنوان اجتهاد جمعی یاد نمود.

### نمونه هایی از اجتهاد جمعی در عصر نبوت

#### ۱- روش اذان گفتن

پیامبر پس از هجرت به مدینه بنیاد مسجد نبوی را گذاشتند که مسلمانان با همی و جمعی نماز را ادا کنند و برای این امر از صحابه مشوره خواستند که چگونه مردم را برای ادای نماز جمع کنند. (ابن ماجه، بی تا، ۱/۲۳۳)

#### ۲- ساختن منبر چوبی با مشوره صحابه

ایشان پس از تعمیر مسجد نبوی در مورد ساختن منبر چوبی از صحابه مشوره گرفتند. (ابن سعد، ۱۴۰۸، ۱/۲۵۱)

#### ۳- مشاورت در مورد اسرای بدر

در جنگ بدر نزدیک به ۷۰ نفر از مشرکین قریش به اسارت مسلمانان درآمدند، که پیامبر در مورد آنها از صحابه مشوره خواستند (احمد بن حنبل، بی تا، ۴/۳۸۹)

#### ۴- مشوره جمعی در مورد جنگ احد



مشرکین پس از شکست در جنگ بدر به فکر انتقام افتاده و به سوی مدینه راه افتادند که پیامبر از آمدن آنها خبردار شدند و در این مورد با صحابه مشوره نمودند که چکار کنیم در مدینه بمانیم یا از مدینه خارج شده و بیرون با آنها بجنگیم (نسائی، ۴، ۱۴۱۱/۳۷۹)

#### ۵- غزوه خندق

در این جنگ نیز پیامبر پس از اینکه اطلاع پیدا کردند که کفار برای جنگ آماده شدند در مورد چگونگی مقابله با آنها از صحابه مشوره گرفتند. (ابن قیم، ۱۴۱۵، ۳/۲۷۱)

#### ۶- جنگ خیبر

قبل از حمله به خیبر از صحابه مشوره خواستند (ابن حبان، بی تا، ۱۱/۲۱۶)

### ضوابط اجتهاد جمعی

#### ۱. تحقق یافتن مقاصد شریعت

مقاصد شریعت: همان معانی و اهدافی هستند که شرع در تمام احکامش آنرا لحاظ کرده است یا به تعبیر دیگر غایت و هدف از شریعت و سری است که شارع برای هر حکمی از احکامش قرار داده است.

#### ۲- عدم تعارض با نص قطعی

هر اجتهادی که با نص قطعی و ثابت در تعارض باشد باطل است.

#### ۳- عدم تعارض با اجماع

همانند اجماع بر حرمت جمع بین زن و خاله آن در یک نکاح، حرمت چربی خوک و مسائلی دیگری که در اجماع در آنها قطعیت یافته است.

#### ۴- عدم تعارض با قواعد فقهی

همانند الامور بمقاصده، والیقین لایزول بالشک، والمشقة تجلب التیسیر، والضرر یزال، والعادة محكمة.

#### ۵- اجتهاد بر اساس جلب منفعت و دفع مفسده باشد.

#### ۶- عدم تعارض با مدلولات لغوی

"لِسَانَ الَّذِي يُلْجِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَبِيٌّ وَهَذَا لِسَانُ عَرَبِيٍّ مُبِينٌ" (نحل: ۱۰۳)

أبو الحسين بن فارس می گوید:

تعلم علم اللغة واجب على أهل العلم؛ لئلا يجحدون في تأليفهم أو فتياهم عن سنن الاستقراء (زرکشی بی تا، ۲/۲۲۸)





یاد گرفتن علم لغت برای سلامت فتوا و یا تالیف کتاب لازم است.

## ۷- به دور از فشار سیاسی و یا ترغیب و تهدید حکومت ها باشد.

و این همان عنصر اصلی است که سلامت فتوی را تضمین می کند.

## اعتبار و کارکرد اجتهاد جمعی در حل مسائل نوین

### همبستگی علمی و فکری

بزرگترین انگیزه و عامل در راستای اجتهاد جمعی اتحاد علمی و فکری جوامع مسلمان است. فتاوی صادر شده در مسائل جدید از نهادهای دینی نه تنها همسان نیستند بلکه در برخی مواقع در تضاد با هم هستند و با پیشرفت برق آسای تکنولوژی و دسترسی سریع و آسان به فتاوی اندیشمندان مختلف اسلامی راه برای اختلاف و افتراق در جوامع اسلامی باز می شود چه بسا اختلاف فتوی در میان پیروان یک مکتب فکری به وفور یافت می شود بعنوان مثال مساله بانکداری اسلامی و جواز آن در مقابل اکثریت برخی به عدم جواز آن معتقدند که باعث شده در یک مساله اختلاف حلال و حرام پیش بیاید و در برخی از مواقع این اختلاف فراتر رفته و منجر به افتراق و تفسیق همدیگر گردیده است که این امر باعث گردیده که اهمیت اجتهاد جمعی و گروهی بیش از پیش نمایان گردد.

امت اسلامی در راستای حل مشکلات و نیازهای جامعه و اتخاذ تصمیمات راهبردی در مواقع مختلف به شدت نیاز مند همبستگی و اتحاد کلمه است و این امر میسر نمی شود مگر اینکه این راه حل ها برخاسته از خرد جمعی باشد که در راستای تجمع اتحاد کلمه و به دور از رای فردی که منجر به تفرقه و تشتت در افکار و تضارب در آراء شده باشد، که در نتیجه باعث سردرگمی عامه مردم می شود چنانچه اجتهاد جمعی بهترین روش و راه حل برای تحقق این مهم است. (سوسو، ۱۹۹۸: ۸۸-۸۹).

## ۲- کم رنگ شدن تعصبات مذهبی و گروهی

برخی معتقدند که اجتهاد فردی سبب شده تا برخی به تعصبات مذهبی دامن زده و افتراق را بوجود بیاورند چرا که بسیاری از فتاوی در تایید و اثبات فکر خویش و رد دیدگاه مقابل هستند امری که موجب گشته مجادله ها و مناظره های زیادی در تایید و یا رد مذهب و یا فکری صورت گیرد حال اگر این اختلاف در محدوده علمی صورت گیرد امری مستحسن است اما مشکل انجا پیدا می شود که اختلاف به عامه مردم سرایت کرده و باعث می شود که آنها با این فتاوی صادر شده همدیگر را تفسیق و یا تکفیر نمایند.

یکی از اسباب دعوت به اجتهاد جمعی بروز اختلافاتی است که در نتیجه اجتهاد فردی بوجود می آید و امت را دچار سردرگمی و حرج می کند که این موضوع برای همگان ظاهر و روشن است.

بهترین شاهد بر این مدعا اختلافاتی است که در موضوع حلت و حرمت سرمایه گذاری میان علما و اندیشمندان بوجود آمد و در نتیجه به طعن و تفسیق همدیگر پرداختند که اثرات بدی بر جامعه اسلامی می گذارد اگر این موضوع در مجمعی از مجامع فقهی به بحث و بررسی پرداخته می شد شاهد چنین اتفاقاتی نمی شدیم چرا که خرد جمعی نزدیک تر به صواب بوده و قبول آن نسبت به رای فردی آسان تر است.

برخی معتقدند اجتهاد فردی از عوامل مهم تفرقه و دو دستگی در میان امت مسلمه است و باید از میان برداشته شده و به اجتهاد جمعی روی آورده شود. (شعبان، ۱۴۱۸، ۱۲۱)

تاریخ گواه است که اجتهاد فردی از مهمترین اسباب هرج و مرج در تاریخ قانون گذاری فقه اسلامی است. (خلاف، بی تا، ۱۳)

البته این دیدگاه کاملا اشتباه است که اجتهاد فردی را عامل تفرقه در میان امت مسلمه بدانیم و بجای آن اجتهاد جمعی را جایگزین کنیم چرا که اصل و اساس اجتهاد فردی است و اجتهاد جمعی بر آن استوار می شود و بدون آن اجتهاد معنی ندارد و اگر آنگونه باشد که آنها می گویند همه اجتهادات گذشتگان از اندیشمندان این امت از بین رفته و زیر سؤال می رود.

اجتهاد فردی را باعث هرج و مرج قرار دادن نوعی مبالغه است که این دسته دچار آن گشته اند از طرفی با این طرز فکر گویا تمام اجتهادات فردی که از مجتهدین امت همانند امام ابو حنیفه، امام مالک، امام شافعی، امام احمد بن حنبل، لیث بن سعد، ابی ثور، ابن قیم و شوکانی و... که نیروی محرکه و بنیانگذار حرکت فکری در جهان اسلام بودند زیر سؤال برود.

سخن از اهمیت اجتهاد جمعی معنی آن نیست که از اهمیت اجتهاد فردی کاسته و آن را عامل هرج و مرج در تاریخ فقه اسلامی بدانیم. (پیشین)

### ۳- درک درست از حقیقت

با پیشرفت علم و صنعت و پیدایش دانش های نوین احاطه بر همه آنها برای فقیه امری است ناممکن بویژه با ظهور علوم چون اقتصاد و پزشکی که قضایا نوین زیادی را در پی داشته که نیازمند تحقیق و پژوهش و یا دریافت جواز یا عدم جواز است و از آنجائیکه این علوم در سیستم آموزشی دینی جایی ندارد فقیه ناچار به تلاش و کوشش در راستای فهم صحیح و صواب از موضوع می باشد و در نتیجه اجتهاد فردی را مشکل می کند بعنوان مثال جواز و عدم جواز استفاده از کارت های اعتباری بسته به فهم صحیح از ماهیت موضوع دارد و تا زمانیکه درک درستی از ماهیت کارت های اعتباری نباشد اظهار نظر در مورد جواز و یا عدم جواز امری است بسیار مشکل. و این همان فقه الواقع یا درک درست از واقعه است که بر آن فقه الاحکام مترتب می شود.

چنانچه این مساله می طلبد فقیه در راستای فهم صحیح موضوع از دانش دیگران کمک گرفته و مبادرت به صدور حکم و یا فتوی کند. (سوسو، ۱۹۹۸، ۸۷)

چه بسا بنا بر عدم درک صحیح از واقعه امکان وقوع اشتباه در اجتهادات فردی بالا رفته و در راه رسیدن به کنه موضوع تلاش زیادی صورت گیرد.

از طرفی این رویه برخی از علما جای تامل دارد که در برخی از مسائل و برای رسیدن به اصل موضوع و ماله و ما علیه فقط به چند پرسش جزئی از این طرف و آنطرف بسنده کرده، تحقیق و بررسی را که ویژگی علمای گذشته بوده را انجام نمی دهند بعنوان مثال به قضیه میکروفن و بلند گو و استفاده آن در انجام فرائض و عبادات نگاهی بیندازیم که در جواز استفاده و عدم آن علما ربع قرن به بحث و گفتگو پرداختند.

اگر به اسباب و عوامل این بحث نگاهی انداخته شود همان مساله نبود درک و فهم صحیح از واقعه که بلند گو از دید فنی است که فهم درستی از آن نداشتند و ربع قرن را در آن بیهوده صرف کردند (راشدی، ۲۰۰۸، ۱۴۷)

#### ۴- دسترسی آسان و سریع علما به همدیگر و استفاده از تجارب همدیگر

در گذشته ذرائع حمل و نقل کم بوده و دسترسی به یکدیگر و جمع شدن برای علمای یک شهر مشکل بود چه بسا برای سفر به یک شهری هفته ها و یا ماه ها وقت نیاز بود تا جمع شده و در مورد موضوع فقهی خاصی اظهار نظر کنند اما با پیشرفت وسائل حمل و نقل در عصر حاضر و انقلاب در آن، دیگر مشکلی وجود ندارد و اندیشمندان در هر جایی از دنیا می توانند گرد هم جمع شده و در موارد فقهی اظهار نظر کرده و به نتیجه جمعی برسند.

جامعه امروزی ما بنا بر دو دلیل اهتکام ویژه ای به اجتهاد جمعی دارد.

۱- دسترسی آسان فقها و اندیشمندان به همدیگر در نتیجه پیشرفت تکنولوژی.

اگر جهان امروزی می تواند در شکل سازمان بین المللی مشکلات جهانی را حل نموده و در مورد آنها تصمیمات قاطعی اتخاذ کند، جهان اسلام بطریق اولی و شایسته این امر است که دارای مجمع جهانی فقهی بوده و مسائل و مشکلات جهان اسلام را بررسی و راه حل های علمی و بدور از تمایلات سیاسی ارائه نماید. (شعبان، ۱۴۱۸، ۱۳۴)

چنانچه استفاده از تکنولوژی های نوینی چون استفاده ویدیو کنفرانس در راستای استفاده از اندیشه ها و دیدگاه های دیگر فقها در سطح جهان اسلام راه را برای اتحاد و همفکری میان اندیشمندان هموار می کند.

#### ۵- سد باب نتایج منفی اجتهاد فردی

برخی معتقدند که علت منع از اجتهاد فردی در قرن چهارم این است که کسانی که صلاحیت اجتهاد فردی را ندارند به این عمل روی آورده و در نتیجه خود گمراه شده و دیگران را هم به گمراهی بکشانند.

منع از اجتهاد بعد از قرن چهارم و ائمه سلف معنایش این نیست که دروازه اجتهاد تا قیامت بسته شده و دیگر امکان اجتهاد نیست بلکه ترس از آنها از این موضوع بود که کسانی مسند فتوی را به عهده می گیرند که صلاحیت فتوی را نداشته و جامعه را دچار اضطراب و پریشانی می کنند حالانکه با اجتهاد جمعی می توان سیستم اجتهاد را سیستماتیک و نظم نوینی بخشید تا ضعف و کمی که در گذشته بوسیله اجتهاد فردی بوجود آمده را با اجتهاد جمعی کامل کرده و بسوی آینده ای روشن گامزن شد چنانچه امروزه به مشکل می توان فقهی را یافت که شرایط اجتهاد را پیدا کرده و معتمد باشد اما بجای آن می توان از گروهی توانا در زمینه فقه بصورت جمعی استفاده کرد. (سوسو، ۱۹۹۸، ۸۵)

چنانچه برخی از پژوهشگران معاصر، گریزی به اجتهادات مجتهدین کنونی زده، معتقد هستند که اجتهاد فی نفسه و در ذات خودش امریست مستحسن و در هر دور و زمان نیاز جامعه بوده و خواهد بود و اگر هم بعضا دچار نقص و ضعف می گردد بنابر عوامل بیرونی است که آن را تهدید می کند چنانچه با کار کارشناسی و آسیب شناسی جدی باید به آن پرداخت تا از آلاینده های بیرون پاک گردد نه آنکه کاملا تعطیل شود در این هیچ شکی نیست که نگرانی های موجود در زمینه اجتهاد با عمل به اجتهاد جمعی و گروهی از بین خواهد رفت. (همان)

به همین علت باید اجتهاد به سمت جمعی برود تا راه بر مدعیان نام نهاد اجتهاد بسته شده و فهم دقیق و صحیح از شریعت نصیب امت گردد البته معنی آن این نیست که آرای فردی از درجه اعتبار ساقط شده و راه بر تفکر و اندیشیدن بسته شده است بلکه هدف حمایت و حفاظت امت از تشتت و انتشار است.

(پیشین)

## ۶- پیچیدگی مسائل نوین

پیشرفت و توسعه تکنولوژی و پیدایش مسائل نوین همچون: معاملات بانکی، اوراق بهادار، بیمه های مختلف و متعدد، شرکت های سرمایه گذاری، بورس، خرید و فروش سهام، انجام معاملات بوسیله تکنولوژی نوین همانند فاکس، ایمیل، و ...، اهدای عضو، و...، بر پیچیدگیهای موجود افزوده است چنانچه زندگی در جوامع گذشته نه پیچیده بود و نه درک و فهم آن برای فقیه و مجتهد مشکل بوده که از حل مسائل و مشکلات جامعه آن روزی نا توان باشد اما جامعه امروز بشری در نتیجه ارتباطات چنان بهم وابسته گشته است که تنقیح مسائل و درک فهم واقع موجود برای مجتهد به تنهایی مشکل گشته است و نیاز آن است تا برای حل مسائل در پر تو تخصصات و دانش های متعدد، گروهی و جمعی فکر، و تصمیم گیری شود. (شعبان، ۱۴۱۸، ۱۲۰-۱۱۹)

## ۷- عدم وجود مجتهدین مطلق

برخی از فقها معتقد هستند که با پیشرفت و افزایش علوم مختلف و پیچیدگی آنها پیدایش مجتهدینی مطلق بسیار سخت شده است که جامع همه شرایط اجتهاد باشد اما این خلا با انجام اجتهاد جمعی و گروهی پر می شود که کارشناسان علوم مختلف با فکر جمعی به نتیجه مطلوب برسند و خلا مجتهد مطلق را پر کنند.

چنانچه اجتهاد جمعی می تواند این خلا را در دو سطح مجتهدین و محل اجتهاد ایجاد کند

در سطح مجتهدین بدین گونه است که در حال حاضر تحقق شرایط اجتهاد در یک فرد خیلی مشکل است و بمشکل می توان فردی را یافت که همه شرایط اجتهاد را دارا باشد اما این خلا با اجتهاد جمعی پر شده و مجتهدین می توانند مکمل همدیگر در زمینه های مختلف باشند و در نتیجه بعنوان مجتهد مطلق تصمیم گیری نموده و فتوی دهند. (سوسو، ۱۹۹۸، ۹۰)

## ۸- پیدایش فقه جهانی

یکی از نتایج منحصر بفرد اجتهاد جمعی آن است که در نتیجه آن فقه اسلامی جهانی بوجود خواهد آمد که می تواند معادلات جهانی را در زمینه فقه و قانون تغییر دهد که در نتیجه آن تعامل با جوامع غیر اسلامی را نه تنها آسان، بلکه جهان شمولی فقه اسلامی را نمایان تر ساخته و محبت، همدلی و همزبانی را بیش از پیش در میان اندیشمندان اسلامی در پی خواهد داشت

جهان معاصر به شکل دهکده ای درآمده و مردم بوسیله پیشرفت در تکنولوژی های نوین رسانه ای و وسائل جمعی به همدیگر نزدیک تر گشته اند.

داد و ستد تجاری و سعت پیدا کرده و چنان مسائل نوینی پیدا شده که حل آنها در توان و وسع یک مذهب و یک فکر خاصی نیست که در نتیجه به خودی خود نیازمند فقه نوینی گشته است

پروفیسور محمود احمد غازی توجه جهان اسلام را به سوی فقه جهانی و آفاقی مبذول نموده می نویسد:

امروزه نظام سیاسی اسلام مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و در مورد قوانین اسلامی کتاب های زیادی نگاشته می شود کشورهای متعدد اسلامی قوانین خود را مورد بازبینی قرار داده و پژوهش های جدیدی پیش روی می آید که هدف از آنها این است که با در نظر گرفتن شرایط جدید و با نگاهی به قوانین سیاسی اسلام نظام سیاسی جدیدی تشکیل شود که در آن چیزی را به حنفی یا شافعی مالکی و یا حنبلی محدود نمی کنند.



تدوین نوین فقه فقط در غالب قانون نیست بلکه در هر زمینه نمایان است که در آن اثری از اختلاف مسلکی و مذهبی یافت نمی شود بلکه در آن فکر و تصور و نمادهای مشترک نمایان تر هستند

عصر، عصر جهانی شدن است و انسانها روز به روز به همدیگر نزدیک تر شده که در اثر آن پیروان مذاهب فقهی مختلف با همدیگر داد و ستد و تجارت انجام می دهند در این اوضاع و احوال محدود ماندن در دایره مذهب فقهی خاصی ممکن نیست

این مساله در تاریخ اسلام بی نظیر بود که در یک مساله بخصوصی اندیشمندان تمام مسالک و مکاتب فقهی بر یک کلمه جمع شده و دیدگاه واحدی داشته باشند که پیشرفت های حاصل از آن فراتر از یک مسلک و یا مکتب فقهی بود مثالهای زیادی از این قبیل این مساله را روشن می کند که حل برخی از مسائل در دایره مسلک و مذهب خاصی امکان ندارد که در نتیجه تصور پیدایش فقه جهانی به خودی خود بوجود آمده است که دکتر غازی برای آن اصطلاح **(cosmopolitan Fiqh)** یا **(Globaized Fiqh)** یا **الفقه العولمی** را بکار گرفته است. (غازی، بی تا، ۴۴۷).

#### ۹- پیروی سلف صالح

اجتهاد جمعی منهج و روش جدیدی نیست که تازه ابداع شده باشد بلکه نمونه های آن را می توان در عصر صحابه بویژه خلفای راشدین و تابعین و ائمه اربعه می توان یافت.

روش حضرات ابوبکر و عمر این بود که هرگاه مشکلی پیش می آمد با مشوره صحابه آن را حل می نمودند.

در زمان تابعین جلسه مشورتی فقهای سعه همیشه تشکیل می شد. کتابهای تاریخ بهترین گواه بر انعقاد مجالس مشورتی فقها توسط امام ابوحنیفه و امام مالک هستند بعد از ائمه اربعه این سلسله در جهان اسلام ادامه داشت چنانچه نظائر آن را با تدوین و انتشار مجموعه فتاوی عالمگیری در شبه قاره هندوستان و مجله الاحکام العدلیه در زمان خلافت عثمانی می توان یافت.

بازگشت به اجتهاد جمعی در واقع بازگشت به روش و منهج سلف صالح است.

اجتهاد جمعی و قیاس پدیده نوینی در امت نیست که تازه ایجاد شده باشد چنانچه با نگاه دقیق به چهارده قرن گذشته این مطلب به خوبی عیان می شود که نظائر آن پیوسته در تاریخ هزار و چهار صد ساله امت یافت می شود

رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مورد اسیران بدر و چگونگی تعامل با آنها از صحابه کرام مشوره گرفتند، چنانچه بعد از مشوره با صحابه پیامبر در مورد آنها تصمیم گرفتند که در آن اشتباهی رخ داد و مورد عتاب الهی قرار گرفتند.

این نمونه بارز اجتهاد جمعی بود حضرت عمر هم چنین گروهی تشکیل داده بود نمونه هایی زیادی یافت می شود که با خلفای راشدین با مشوره صحابه کرام مسائل و قضایای نوین که پیش می آمد را با مشوره جمعی حل می کردند و اگر حدیثی در آن مورد از رسول خدا نزدیک کسی یافت می شد را دریافت می کردند اگر حدیثی وجود بر مبنای آن حکم می کردند و اگر وجود نداشت با اجتهاد و قیاس مساله را حل می کردند امام اعظم امام ابوحنیفه به همراه چهل تن از شاگردانش شورای مشورتی تشکیل داده بودند که در آن اجتهاد جمعی صورت می گرفت.

پادشاه عادل اورنگزیب هم، چنین مجلس مشورتی ایجاد کرده بودند که در آن علما و دانشمندان بزرگ را جمع نمودند تا در مورد مسائل نوین بحث کنند که نتیجه آن بحث ها بوجود آمدن مجموعه بزرگ فتاوی عالمگیری بود

همچنین مجله الاحکام العبدیة در زمان خلافت عثمانی تدوین شد. (قاسمی، بی تا، ۳۱/۲)

#### ۱۰- دستیابی به اجماع

اجماع مهمترین دلیل و حجت شرعی بعد از کتاب و سنت است که احکام بوسیله آن ثابت می گردد که اجتهاد جمعی بهترین راه دستیابی به آن می باشد

برخی از اندیشمندان اجماع را به دو قسم تقسیم نموده اند:

اجماع کامل: اجماعی است که همه مجتهدین در آن اتفاق نظر دارند

اجماع ناقص: اجماعی است که اکثریت مجتهدین در آن اتفاق نظر دارند

این گروه اجتهاد جمعی را اجماع ناقص دانسته چرا که معتقد هستند که اجماع کامل در واقع الامر فقط در مواردی که همه بر آن اتفاق نظر داشته و جزو ضروریات دینی بوده و هیچ روایتی مبنی بر اختلاف در آن مساله وجود نداشته است همانند این مساله که جد در مساله میراث با وجود ب.دن برادران ارث می برد و حرمت نکاح جده همانند مادر و... (سوسو، ۱۹۹۸، ۸۲)

برخی از اندیشمندان معتقد هستند که شاید بتوان اجتهاد جمعی را پلی برای دستیابی به اجماع کامل تصور کرد به گونه ای که مساله را پس از همفکری و مشوره به اندیشمندان دیگر ارائه و موافقت آنان را اخذ نموده تا به اجماع دست پیدا کرد اگر آنان موافقت خود را اعلام نمودند که به اجماع صریح دست پیدا کردیم و اگر چنانچه سکوت نمودند اجماع سکوتی بدست می آید. (شاهی، ۱۴۱۲، ۱۸۶)

برخی اجتهاد جمعی را مصداق واقعی اجماع دانسته معتقدند که در اصطلاح اصولیین اجماع تام هیچ وقت در واقع الامر اتفاق نیفتاده و اجماعی که در زمان صحابه اتفاق افتاده در حقیقت اجتهاد جمعی است که در مسائل از آنها سرزده است.

آنچه اتفاق افتاده اجتهاد جمعی بوده نه اجماع چرا که اتفاق همه مجتهدین که اساس اجماع است امری غیر ممکن بوده اما اتفاق اکثریت امری ممکن بوده پس در نتیجه آنچه اتفاق افتاده اجتهاد جمعی بوده نه اجماع اصولی و شاهد بر این مدعا آن است که هر آنچه در زمان صحابه اتفاق افتاده اجتهاد جمعی بوده است.

روش خلفای راشدین اینگونه بود که اگر حادثه ای پیش می آمد که در آن نصی وجود نداشت بقیه صحابه را جمع نموده و در مورد آن نظر خواهی می نموده و هر آنچه که به آن می رسیدند بعنوان حکم شرعی بیان می نمودند و این همان اجتهاد جمعی است، و در هیچ جا یافت نشده که در موردی خلفای راشدین توقف نمایند تا از بقیه صحابه نظر خواهی شود. (سوسو، ۱۹۹۸، ۸۱-۸۲)

برخی از اندیشمندان برای دستیابی به اجماع تام توسط اجتهاد جمعی پیشنهاد تاسیس مجمع بین المللی در زمینه علوم اسلامی را داده اند که اعضای آن فارغ از جنسیت، مذهب و یا قومیت از اندیشمندان و فقیهان طراز اول جهان اسلام بوده و بدور از هر گونه فشار و یا دخالت حکومتی در راه حل مسائل جهان اسلام گامزن بوده که در نتیجه، اجماع آنها بر مساله ای اجماع مجتهدین عصر تلقی شده و عمل بر آن بر همه لازم گردد. (قرضاوی، ۱۹۹۶، ۱۸۴-۱۸۳)

## ۱۱- پیروی از دستور قرآن

خدای متعال در مسائل مختلف پیامبرش را به مشوره و همفکری با صحابه کرام دستور داده

و شاورهم فی الامر (آل عمران ۱۵۹)

چنانچه برخی از مفسرین در ذیل این آیه، این قول حضرت ابو هریره را نقل کرده اند که:

ما رأیت أحدا أكثر مشورة لأصحابه من رسول الله (ابن ابی حاتم، بی تا، ۱/۳، ۸۰)

برخی از ائمه سلف معتقد هستند که فلسفه و حکمت دستور به همفکری و مشوره صحابه در امور مختلف، این است که به آیندگان و نسل های بعدی فهمانده شود که به سنت همفکری و مشوره عمل کنند

حسن بصری در تفسیر این آیه می فرماید:

قد علم أنه لیس به الیهم حاجة و ربما قال: لیس له حاجة و لكن أراد أن یستن به من بعده(همان)

## تلاش در راستای دستیابی به حکم واقعی شریعت

در مسائل اجتهادی همواره امکان اشتباه بوده و هست.

مجتهد وقتی اجتهاد می کند گاهها اجتهادش صحیح است و گاهها اشتباه

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید:

إذا حکم الحاکم فاجتهد ثم اصاب فله اجران و إذا حکم فاجتهد ثم اخطأ فله اجر. (بخاری، ۱۴۰۷، ۶۹۱۹، ۶/۲۶۷۶)

با اجتهاد جمعی امکان اشتباه در اجتهاد از بین نمی رود اما کم خواهد شد گر چه این امکان در اجتهاد فردی هم وجود دارد که به اشتباه بینجامد اما با همفکری جمعی فقهاء امکان اشتباه کم می شود.

## گسترده‌گی و تخصصی شدن علوم

اساسا علوم شرعیه بر دو قسم تقسیم می گردند

علوم عالی که مشتمل بر علوم قرآن و سنت هستند

علوم آلی عمومی هستند که در فهم و درک کتاب و سنت کمک می کنند همانند: اصول تفسیر، اصول فقه، بلاغت، صرف و نحو، لغت، اصول حدیث و ...

با گذر زمان و انجام پذیرفتن تحقیقات و پژوهشهای بسیاری که در این علوم صورت پذیرفته است احاطه آنها برای فرد ممکن نیست که منتج به آن گردیده که روی آوری به تخصصات بیشتر شود لذا برخی از اندیشمندان معتقدند که تخصصی شدن علوم یکی از بزرگترین انگیزه های اجتهاد جمعی می باشد.

با جمع شدن کارشناسان و متخصصان رشته های مختلف، از قبیل تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، لغت، صرف و نحو در زیر سقف اجتهاد جمعی زمینه تحقیق و پژوهش و رسیدن به نتیجه مطلوب فراهم می گردد. (شعبان، ۱۴۱۸، ۱۲۰)

گسترده گی علوم و معارف معنای آن نیست که از اجتهاد فردی منعی صورت گیرد بلکه اجتهاد فردی در مسائل شخصی به قوت خود همچنان باقی و بعنوان اساس و پایه برای اجتهاد جمعی بشمار می رود اما در برخی از مسائل جمعی و ویژه نیاز آن است تا در مورد آنها همفکری و مشوره و در نتیجه اجتهاد جمعی صورت گیرد. (همان)

### تدوین نوین فقه اسلامی

با پیشرفت علوم و معارف بشری و تحول در روشهای تحقیق و پژوهش و در راستای کارآمدی تر کردن بیشتر فقه اسلامی نیاز آن است که فقه اسلامی در لباس و زبان جدید آراسته شود تا نسل جدید و اندیشمندان و روشنفکران بتوانند بهتر از آن استفاده کنند و این در توان یک شخص بعینه نیست بلکه باید برای تحقق آن گروهی متخصص و کارشناس فقهی و حقوقی همت گمارند.

پروفسور محمود احمد غازی می نویسد:

تدوین فقه اسلامی همانگونه که بنده جزئیات آن را شرح دادم تا اواسط قرن نوزدهم انجام نگرفته بود. و حیثیت آن همانند قانون متداول انگلستان بود. که بصورت مواد قانونی غیر مرتب در کتاب های مختلفی بصورت تئوری و نظریه پراکنده بودند که دادگاه ها و محاکم در صورت نیاز در آنها جستجو کرده و قانونی را نسبت به موضوعی مشخص می کرد که کدام قانون مربوط به کدام مساله است که بر اساس آن حکمی صورت گیرد.

فقه اسلامی هم با همین وضعیت دچار بود کتاب هایی که بنده دیروز به برخی از آنها اشاره کردم، همانند هزاران کتاب دیگر در کتابخانه ها وجود داشتند قضات محترم از آنها استفاده کرده و به این نتیجه می رسیدند که این فتوی یا نظریه و یا اجتهاد مطابق با این مساله و یا بر آن صدق (relevant) می کند. و بر همان اساس و مبنای حکم صادر می کردند.

این اجتهاد و یا اجتهادات ربطی به حکام و یا حکومت ها نداشت. همه این مواد و ذخیره قانونی در نتیجه فعالیت فکری مستقل صورت می گرفت و فقها آن را در غالب کتاب در می آوردند. گویا تا آن موقع هر بخش از قانون، احکام و مواد آن، از تحت سیطره حکمرانان کاملاً آزاد و و از دایره نفوذ آنها خارج بود. چنین وضعیتی ناشناخته و نا آشنا برای غرب بود. تجار آنها می خواستند بدانند که ملت و مردمی که با آنها داد و ستد دارند و معامله می کنند در موضوع تجارت دارای چه قوانین و احکامی هستند؟

به همین علت نیاز شدیدی بوجود آمد تا قوانین پراکنده در کتاب های مختلفی که اطلاع و امکان رجوع از آن برای هر شخصی ممکن نیست بصورت یکجا و جداگانه بصورت کتاب دربیاید خصوصاً تجار مسلمان و کسانی که با آنها در داد و ستد بودند بدان نیاز شدیدی داشتند. (غازی، بی تا، ۵۱۹)





## ارتباط و هماهنگی در میان مکاتب فقهی مختلف

معمولا در اجتهاد فردی مجتهد، گر چه از اجتهاد علماء دیگر آگاهی دارد اما دلائل و حجت هایی که اجتهاد بر اساس آن وضع گردیده از نگاه همدیگر پنهان می ماند و قوت دلیل زمانی واضح و مبرهن می گردد که دلائل مخالفین برای همدیگر روشن گردد و چه بسا با ارتباط و تعامل با همدیگر محبت و همدلی بیشتر شده و راه برای بدگمانی و تجسس بسته شود.

گذشتگان به این موضوع زیاد اهمیت می دادند تا جائیکه امام شافعی جلوی امام محمد و ایشان نزد امام مالک و امام احمد نزد امام شافعی زانو تلمذ زده و استفاده علمی بردند. (منصوری، ۲۰۰۷، ۱۴)

## تلفیق بین المذاهب

هدف از تلفیق بین المذاهب این است که علما و اندیشمندان مذهبی بخاطر سهولت و آسانی بر مردم فتوی مذهب خود را ترک نموده و به فتوی مذهب دیگر عمل کنند تا اگر حرجی برای مردم صورت گرفته رفع گردد.

حکیم الامت مولانا اشرف علی تھانوی دستور دادند تا برای حل مسائل و مشکلات فقهی زنان توسط گروهی از علماء الحیلۃ الناجذۃ تدوین گردد پدر بزرگوارم (حضرت مولانا مفتی محمد شفیع عثمانی) و مولانا مفتی عبد الکریم گتمهلوی هم از این بزرگواران بودند که در آن در مسائل متعددی بنابر مذهب امام مالک فتوی داده شد اما این فتوی تا زمانی که همه دارالافتاء های موجود در شبه قاره در مورد آن اظهار رای نکنند چاپ نگردید دیدگاه های علماء حرمین گرفته شد و آخر الامر چاپ گردید. (قاسمی، بی تا، ۳۱/۲)

بسیاری از اندیشمندان عصر حاضر تلفیق بین المذاهب را بعنوان روش و منهج قبول کرده می نویسند:

نظائر این مساله در میان فقهای احناف وجود دارد. حق تفریق و جدایی از شوهر در صورت وجود عیب و یا مریضی شوهر، همچنین حق تفریق و جدایی در صورت مفقود الخبر بودن شوهر، اجرت بر آموزش قرآن و اذان، از جمله مسائلی هستند که فقهای متاخرین با تاسی به مذاهب فقهی دیگر امت را از سر در گمی نجات داده و مصداق واقعی حدیث اختلاف امتی رحمه امتی قرار گرفتند. (پیشین)

## تدوین دانشنامه های فقهی

تغییر در سبک و شیوه نگارش کتب فقهی یکی از مهم ترین نیاز های روز است که باید انجام گیرد و میراث گذشتگان از فقه و قانون گرفته تا مهمترین وقایع تاریخ اسلام و حکومت های اسلامی جغرافیای آنها به سبک و شیوه نوین به رشته تحریر در آید تا در راستای قانون سازی معاون و ممد باشد در راستای نهادینه کردن قوانین اسلامی باشد.

در این دانشنامه ها و دائره المعارف از علماء و فقهاء و کارشناسان و متخصصان دیگر رشته ها خصوصا حقوق و قانون استفاده گردد.

تهیه و تدوین این نوع دانشنامه ها در توان یک شخص نیست بلکه برای انجام آن گروه ها و مجامع متخصص مورد نیاز است که به میدان بیایند و این مهم را انجام دهند چنانچه در این راستا دانشنامه های زیادی به ترتیب حروف ابجدی بوجود آمده است.

مصطفی احمد الزرقاء برجسته ترین و نام آشناترین فقیه قرن بیستم جهان اسلام، پیشنهاد کردند که ذخائر و اصول فقه اسلامی در قالب یک دانشنامه و دایره المعارف آماده شوند. همچنانکه در هر دایره المعارفی این روند معمول است که مفاهیم، مسائل و موضوعات را به ترتیب حروف الفبا alphabetical

مرتب می کنند. که در نتیجه دسترسی به هر موضوعی به طور خلاصه و با ترتیب حروف الفبا آسان و برای تحقیق و پژوهش مصادر و ماخذ جدیدی نشاندهی می شوند.

استاد مصطفی الزرقا معتقد بود که اگر چنین کتاب جامعی نوشته شود استفاده از آن برای وکلا، قضات و حقوقدانان در زمینه فقه اسلامی بسیار ساده شده و آنان بهره مند خواهند شد. استاد مصطفی الزرقا نقشه این دانشنامه و دائرة المعارف را آماده کرد و عملا کار در کویت آغاز شد. که با قوس و کش های فراوانی همراه بود. متوقف می شد و دوباره آغاز می شد، اما او همواره در طول زندگی به سرگیری آن دعوت می داد و تقریباً چهل و چهل و پنج سال در این موضوع دست به قلم بود و همواره دعوت می داد که این دانشنامه آماده شود. چنانچه در این موضوع دو دانشنامه آماده شد که در ترتیب و پیکربندی موضوعات یکی، خود ایشان هم سهم بود، و بسیار نوشت، و موضوعات آن را مرتب نمود. بسیاری از شاگردان ایشان به طور مستقیم در این ترتیب این دانشنامه درگیر بودند. دانشنامه ای بسیار عالی آماده و غالباً در چهل و پنج یا پنجاه جلد کامل شد. (غازی، بی تا، ۵۳۰-۵۲۹)

## نقض اجتهاد جمعی

### ۱- مخالفت با قرآن

علمای علم اصول بر این امر اتفاق دارند که هر اجتهادی که مخالف نص صریح و قاطع قرآن باشد به نحوی که آن را از مفهوم اصلی آن خارج نموده و حکم آن را تغییر دهد نقض آن واجب است بعنوان مثال واژه قرء در آیه مبارکه " **وَالْمُطَلَّاتُ بِتَرَبُّصٍ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ** " (بقره: ۲۲۷) بین دو مفهوم مشترک است طهر و حیض حال اگر مفهوم سومی که خارج از این دو باشد که آن را از مدلول شرعی و لغوی آن خارج سازد باطل است.

### ۲- مخالفت با سنت متواتر و یا مشهور

سنت نبوی مکمل وحی و از منابع اصلی تشریح است و هر اجتهادی که با نصوص قطعی آن مخالفت داشته و آن را از مفهوم شرعی آن خارج کند باطل است. (ابن جزی کلی، ۱۳۸۸، ۱/۱۹۵)

" **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا**". (نساء: ۵۹)

### ۳- خبر آحاد

علمای علم اصول در این امر اختلاف دارند که آیا اجتهاد با خبر واحد نقض می شود یا خیر؟

برخی همانند قاضی ابو یعلی معتقد هستند که اجتهاد با خبر واحد نقض نمی شود. (ابن بدران، ۱۹۸۱، ۳۸۴)

برخی همانند بسیاری از احناف قیاس را بر خبر واحد مقدم می شمارند. (خفیف، بی تا، ۷۵)

برخی همانند ابن فنجی و هیشمی معتقد هستند که خبر واحد با خبر واحد دیگر نقض نمی شوند گویا آنان اجتهاد را همانند خبر واحد می دانند.

(پیشین)



#### ۴- اجماع

این امر مسلمی نزد علمای علم اصول است که اجتهاد با اجماع اصولی مشهور نقض شده و از بین می رود. (سیوطی، ۱۹۸۳، ۱۰۵)

#### ۵- قیاس

بسیاری از علمای علم اصول به این امر تصریح نموده اند که اجتهادی که با قیاس جلی در تضاد باشد نیز از درجه اعتبار ساقط بوده و نقض می گردد. (مانند

آمدی، غزالی، قرافی، سبکی و... آمدی، ۱۴۰۴، ۳۳۵/۴)

اما برخی دیگر همانند اصحاب الظواهر معتقد هستند که قیاسی که در تضاد با اجتهاد باشد آن را از بین نمی برد. (ابن بدران، ۱۹۸۱، ۳۸۴)

#### ۶- مقاصد شریعت

اساس و پایه دین مبین اسلام بر بر عدالت و رحمت است و هر آنچه این مقصد و هدف را از بین ببرد از درجه اعتبار ساقط شده و خود از بین می رود.

(غزالی، بی تا، ۳۷۶)

#### ۷- اجتهادی که بر مبنای هوی و هوس نفسانی باشد

همانند کسی که بر مبنای گمان و تخمین خود اجتهاد کند.

#### نتیجه گیری و پیشنهادات

- اجتهاد یکی از روش های معمول برای دستیابی به حکم شرعی است و اندیشمندان اسلامی در راستای دستیابی به حکم شرعی همانند گذشتگان می توانند از آن بهره گیرند.
- اجتهاد جمعی فی ذاته الزام آور نیست مگر اینکه با حکم اولوا الامری متخذ از آیه ۵۹ سوره مبارکه نسا (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) نافذ گردد.
- حجیت اجتهاد جمعی در قلمرو خود بوده و منافاتی با اجتهاد فردی ندارد، و امت اسلامی در عصر حاضر از آن بی نیاز نیست؛ زیرا چراغ فروزان راه اجتهاد جمعی، همانا تحقیقات و بررسی های دقیق و کارشناسانه ای است که از سوی تک تک افراد صاحب نظر عرضه می گردد، تا در مجامع علمی و فقهی مورد بحث و تبادل نظر، و در نهایت مبنای تصمیم گیری قرار گیرد.
- اجتهاد جمعی در سه مرحله منطقه ای، کشوری، و بین المللی صورت گیرد.
- اجتهاد جمعی و شورایی یک قابلیت جهانی نظام فقهی - حقوقی اسلام است، که برای عصر حاضر که عصر ارتباطات جهانی است بسیار شایسته و بلکه ضروری است.
- اجتهاد جمعی جدای از اجماعی است که در میان اصولیان متداول است. هر یکی از آن دارای حقیقتی است که همدیگر را متمایز می کنند.
- می توان از اجتهاد جمعی بعنوان دلیلی مستقل بعد اجماع تام و کامل یاد کرد که نمی تواند آن را از بین ببرد بلکه راهی برای دستیابی به اجماع است.
- جایگاه اجتهاد جمعی بالاتر از اجتهاد فردی بوده و در صورت تقابل و لحاظ مصالح مدنی جامعه اسلامی بر اجتهاد فردی ترجیح دارد.

- اجتهاد جمعی مصداق بارز اصل شورا است که قرآن مجید و سنت نبوی به آن تاکید دارند.
- اجتهاد جمعی بهترین راه در راستای وحدت کلمه امت اسلامی است.
- مشوره و همفکری در جهان اسلام منوط به احکام شرعی و یا قانون گذاری نیست بلکه همه جوانب زندگی اسلامی از جمله سیاست و اقتصادی را شامل می شود.
- حکمرانان و زمامداران امر مسلمین توجه ویژه نسبت به موضوع اجتهاد جمعی داشته و بسترهای لازم را برای نهادینه کردن این امر فراهم کنند.
- دانشگاه ها و مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام این موضوع را جزء اولویت های اول خود قرار داده و در راستای تربیت افراد خبره بعنوان یک رشته آن را در نظام آموزشی خود قرار دهند.
- جایگاه قانونی مصوبات و قوانین این شوراها و یا مجامع فقهی مشخص شده و از همه توان و ظرفیت در راستای اجرایی نمودن آن کار گرفته شود.
- این مهم جز با تشکیل مجمع جهانی فقهی که متشکل از همه مذاهب و گرایش های فقهی موجود در جهان اسلام و دربر گیرنده متخصصان و فقهای طراز اول جهان اسلام بوده و ملاک انتخاب اعضای آن نیز فقط فقاقت و تخصص و تقوا باشد نه چیز دیگری، میسر نمی گردد.
- 

#### منابع:

#### قرآن کریم

۱. ابن الاثیر، محمد بن محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد ابو السعدات المبارک مجد الدین الشیبانی امام، **النهاية في غريب الاثر** المكتبة العلمية بيروت. بی تا.
۲. ابن رشد، محمد بن احمد بن محمد احمد بن رشد ابو الوليد القرطبي الاندلسي **الضروري في اصول الفقه** در الغرب الاسلامي بيروت.
۳. ابن ماجه محمد بن يزيد القزويني ابو عبدالله **سنن ابن ماجه** دار الفكر بيروت لبنان بی تا.
۴. احمد بن محمد بن حنبل، ابو عبدالله الشیبانی امام، **مسند احمد بن حنبل**، مؤسسة قرطبة بی تا.
۵. ابن نجار، تقی الدین محمد بن احمد عبدالعزیز بن علی القنوجی الحنبلی علامه (۱۹۹۷)، **شرح الکوکب المنیر**، مکتبه العیکان، بی تا، ۶۱۲.
۶. ابن جزی کلبی مالکی، محمد بن احمد (۱۱۳۲)، **القوانين الفقهية**، دارالفکر، ۱۹۵.
۷. زیدان، عبدالکریم (۱۴۲۲) **الوجيز في اصول الفقه**، اول، احسان، تهران، ص ۱۴۷.
۸. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۹۰)، **المستصفی**، دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۱، ۱۷۳.
۹. حاکم، محمد بن عبدالله النیسابوری، ابو عبدالله امام (۱۴۱۱)، **المستدرک علی الصحیحین**، دارالکتب العلمیة، بیروت، الطبعة الاولى، ۳۷۸.
۱۰. صالح بن حمید الدکتور (۱۴۲۹) **(الاجتهاد الجماعي وأهميته في نوازل العصر)** قدم فی مؤتمراتی و ضوابطها المنعقد فی المجمع الفقهي الإسلامي سنة، ۱۶.
۱۱. سوسو، عبد المجید دکتور (۱۹۹۸)، **الاجتهاد الجماعي في التشريع الاسلامي**، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، قطر، الطبعة الاولى، ۸۸-۸۹.
۱۲. شعبان، محمد اسماعیل دکتور (۱۴۱۸)، **الاجتهاد الجماعي و دور المجامع الفقهية في تطبيقه**، دار البشائر الاسلامية، بیروت لبنان، الطبعة الاولى، ۱۲۱.

١٣. راشدي، زاهد ابوعمار مولانا (٢٠٠٨)، **عصر حاضر مين اجتهاد**: چندفكرى و عملى مباحث، الشريعة اكاڊمى، گوجرانواله، اشاعت اول، فرورى، ٤٢٧.
١٤. بخارى، عبدالعزيز بن احمد علاؤالدين الحنفى امام (١٤١٨)، **كشف الاسرار عن اصول فخر الاسلام البزدوى**، دارالكتب العلميه، بيروت لبنان، الطبعة الاولى، ٨٤.
١٥. السيوطى، جلال الدين عبدالرحمن (١٤٠٣) **الاشباه والنظائر فى قواعد وفروع فقه الشافعية**، دارالكتب العلميه، الطبعة الاولى، ١٠٣.
١٦. بدران، عبدالقادر بن أحمد بن مصطفى بن عبدالرحيم بن محمد (١٤٠١) **المدخل إلى مذهب الإمام أحمد بن حنبل**، المؤلف: المحقق: د. عبدالله بن عبدالمحسن التركي الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الثانية، ٣٨٤.
١٧. آمدى، سيف الدين على بن ابى محمد بن سالم التغلبى (١٤٠٤) **الاحكام فى اصول الاحكام**، دارالكتاب العربى بيروت لبنان الطبعة الاولى، ٤.
١٨. زحيلي، وهبة مصطفى دكتور، (١٩٩٧) **الاجتهاد الجماعى واهميته فى مواجهة مشكلات العصر**، مطبع، ٤.
١٩. محمود بلال مهران، **أسباب اختلاف الفقهاء**. دار الفكر العربى، بي تا.
٢٠. غازى محمود احمد پروفيسور، **محاضرات فقه، الفيصل ناشران و تاجران كتب، لاهور، پاكستان، بي تا.**
٢١. منصورى، محمد طاهر دكتور، **اجتماعى اجتهاد، تصور، ارتقا اور عملى صورتين**، ادارہ تحقیقات اسلاميه بين الاقوامى اسلامى يونيورستى اسلام آباد ٢٠٠٧ م.
٢٢. بخارى، محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن المغيرة ابو عبدالله الجعفى امام، **الجامع الصحيح المختصر المسند من حديث رسول الله و سننه و ايامه المعروف بصحيح البخارى**، دار ابن كثير، بيروت لبنان، الطبعة الثالثة ١٤٠٧ هـ.
٢٣. ابن ابى حاتم، عبد الرحمن بن محمد ابى ابن بن المنذر التميمى الحنظلى الرازى **تفسير ابن ابى حاتم المكتبة المصرية بي تا.**
٢٤. شاولى، توفيق دكتور، فقه الشورى و الاستشارة، دار الوفاء للطباعة و النشر و التوزيع المنصورة، الطبعة الاولى، ١٤١٢ هـ.
٢٥. القاهرة، بي تا.
٢٦. دارمى، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام السمرقندى ابو محمد امام، **سنن الدارمى**، دار الكتاب العربى، بيروت لبنان، الطبعة الاولى ١٤٠٧ هـ.
٢٧. جصاص، احمد بن على ابوبكر الرازى امام، **الفصول فى الاصول**، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية دولة كويت، الطبعة الثانية ١٩٩٤ م.
٢٨. ترمذى، محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك امام، **الجامع الصحيح المعروف بسنن الترمذى**، دار احياء التراث العربى، بيروت، بي تا.
٢٩. خلاف، عبدالوهاب شيخ، **مصادر التشريع فيما لا نص فيه**، دار القلم، كويت، بي تا.
٣٠. خفيف، على، **اسباب اختلاف الفقهاء**، دارالفكر العربى بي تا.
٣١. سيوطى، ابوالفضل، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، **الاشباه و النظائر**، دارالكتب العلميه، ١٩٨٣ م.
٣٢. قرضاوى، يوسف، **الاجتهاد فى الشريعة الاسلامية**، دارالقلم كويت، ١٩٩٦ م.
٣٣. ابن قيم، محمد بن ابى بكر بن ايوب بن سعد الجوزية امام، **اعلام الموقعين عن رب العالمين**، دار الجليل، بيروت لبنان، ١٩٧٣ م.
- ٣٤.